

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی برابری زنان و مردان!

تبعیض بر زنان و رابطه آن با سایر تبعیض های اجتماعی

بی تردید روز زن و گرامی داشت آن به سهم خود فرصت مغتنمی است برای تمرکز افکار عمومی جامعه و فعالان اجتماعی بر روی معضل بزرگی به نام تبعیض جنسیتی و ابعادستی که برنیمی از جامعه روا داشته می شود. و البته در تداوم و بازتولید آن تک تک افراد جامعه و بخصوص مردان از یکسو و بطریق اولی نهادهای قدرت از سوی دیگر هرکدام به نحوی دخیل و سهیم هستند. بهمین دلیل تبعیض مبتنی برجنسیت و نیزگرایش های جنسی (که خامنه اخیرا نیز درشرفیابی مجلس خبرگان به نزدایشان به انکاراین گرایش ها و به دفاع از یک سالاری و تبعیض ها برخاست) و نیز مبارزه علیه مسأله ای به بزرگی تبعیض مضاعف برنیمی از جامعه امری است جاری در سراسردقایق سال و همه جانبه و در حوزه های گوناگون اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و تمامی حوزه های اجتماعی و اختصاص به روز و حوزه خاصی ندارد

بی تردید روز زن و گرامی داشت آن به سهم خود فرصت مغتنمی است برای تمرکز افکار عمومی جامعه و فعالان اجتماعی بر روی معضل بزرگی به نام تبعیض جنسیتی و ابعادستی که برنیمی از جامعه روا داشته می شود. و البته در تداوم و بازتولید آن تک تک افراد جامعه و بخصوص مردان از یکسو و البته نهادهای قدرت از سوی دیگر هرکدام به نحوی دخیل و سهیم هستند. بهمین دلیل تبعیض مبتنی برجنس و نیزگرایش های جنسی (که خامنه اخیرا نیز درشرفیابی مجلس خبرگان به نزدایشان برآن تاخت) و نیز مبارزه علیه مسأله ای به بزرگی تبعیض مضاعف برنیمی از جامعه امری است جاری در سراسردقایق سال و در حوزه های گوناگون اجتماعی و اختصاص به روز خاصی ندارد. تبعیض جنسیتی و مبارزه علیه آن البته امری جهانی است، اما در جوامع استبدادی و بشدت مردسالار بویژه جوامعی که نفوذ مذهب در آن قوی است و در کشور ایران که حکومت مذهبی هم برقرار است ستم و تبعیض بر زنان بیدامی کند. در این نوع جوامع ترکیب شکاف طبقاتی و گسترش فقر و سلطه ارزش ها و قواعد فقهی و مذهبی عهدبوقی دست در دست هم تبعیض را بیش از پیش گسترش می دهد. نادیده گرفتن پیوند این دو در چنین جوامعی معمولا موجب خم کردن میله به یک سو و نادیده گرفتن وجه دیگر و لاجرم فروگذاری از بکارگیری تاکتیک های مشخص و کارآیند در بسیج مؤثر می شود.

در موضعگیری ها مختلفی که پیرامون ۸ مارس امسال صورت گرفته است، بیانیه ای که با امضاء بیش از ۳۵۰ نفر از مدافعان حقوق زن انتشار یافته است بدرستی برتأثیرات مخرب عواملی چون تشدید فقر و شکاف طبقاتی و خصوصی سازی و آلودگی محیط زیست، طرح افزایش جمعیت و تعالی خانواده و به حاشیه رانده شدن زنان درحوزه های گوناگون بروضعیت زنان و به حاشیه راندن آن اشاره کرده است. بیانیه خواهان حساسیت بیشتر فعالان جنبش زنان بر نقش چنین عواملی بر معیشت و تنگدستی زنان شده است. بیانیه با این عبارت به پایان می رسد: "هشت مارس را که روزی برای پاس داشتن مبارزات زنان جهان در راه احقاق حق خود بوده گرامی می داریم و ضمن اعلام همبستگی با مبارزات خواهرانمان در منطقه و جهان، آرمان مبارزه خود را رسیدن به جهانی می دانیم که در آن تمامی مناسبات تبعیض آمیز مبتنی بر جنسیت، نژاد، قوم، ملیت و طبقه از تمامی عرصه های عمومی و خصوصی برچیده شود و دنیایی انسانی و برابر بسازیم."

در کل انتشار چنین بیانیه ای با امضاء چندصدتن را باید گامی مثبت و رو بجلو دانست. در اشاعه نگاهی که تبعیض زنان را نه بصورت تک بعدی و در تقلیل آن به مطالبات صرفا حقوقی و محدود بلکه در وجوه گوناگون و تأثیرگذار تبعیض درحوزه های گوناگون اجتماعی بریکدیگر و به تبع آن پیوند با سایر جنبش های اجتماعی جستجو می کند. چرا که در زندگی واقعی همه این جنب های گوناگون بروضعیت واقعی زنان تأثیرگذار هستند و انتزاع تنها یک وجه و کانونی کردن آن با نادیده گرفتن مجموعه عوامل دخیل کارگشا خواهد بود.

البته در همین جا لازم است به برخی نکته های چالش برانگیز و به گمان من منفی و نادرستی هم که در بیانیه وجود دارد و مربوط می شود به گنجاندن برخی مطالبات چون حضور بیشتر نمایندگان زن در مجلس و سایر مراکز تصمیم گیری و یا تصمیم سازی، در چهارچوب مطالبات مشخص و حداقلی، اشاره بکنم. و این درحالی است که جنبش زنان با خواست مشارکت در قدرت و در صورت فرض تحقق بطریق اولی با دست یابی به آن از نفس خواهد افتاد و خواهی نخواهی مثل موارد و تجارب دیگری که از اینگونه مشارکت جونی در قدرت مثلا توسط کارگران و احزاب وابسته به آنها و... شاهد بوده ایم خود تبدیل به نیروی حافظ وضع موجود و سدی در برابر پیشروی جنبش می گردد. درست آن است که جنبش زنان مطالبات واقعی خود را در برابر حاکمیت ها و سیاست ها و ارزش ها و فرهنگ مردسالارانه بگذارد و از طریق مبارزه و فشار افکار عمومی آنها را به حاکمیت تحمیل کند. البته تحمیل فشار به حاکمیت و بهره گیری از شکاف های درونی آن و از جمله تحمیل مطالبات مشخص خود به مراکز تصمیم گیری بخشی از تاکتیک های پیشروی است، اما شرکت در قدرت امر دیگری است. چرا که با استناد به تجارب بیشماری در عرصه جهانی و حتی تجربه حرکت افتادن کمابیش جنبش های فمینیستی از شدت و حدت سابق خود نشان دهنده آن است که حضور در سیستم به معنی جاداشدن از متن حرکت جنبش و حتی سنگ اندازی در برابر آن است. انجام برخی رفرم های محدوددهم البته

وجود داشته است اما این رفرم هم عموماً بدلیل فشار از پائین بوده است. بهمین دلیل تأکید برکنش معطوف به تقویت جنبش‌ها به عنوان اهرم‌های اصلی پیش‌روی و تغییر مناسبات حاکم بر جهان و در پیوند با سایر جنبش‌ها بجای نگاه به بالا و خواست حضور در ساختارهای بازتولیدکننده دارای اهمیت است. افزایش در بیانیه فوق و نیز سایر کنش‌ها و بیانیه‌های مربوط به ۸ مارس امسال بر فاجعه‌ای که اخیراً در پی آتش‌سوزی در یکی از کارگاه‌های فاقد ایمنی در خیابان جمهوری تهران صورت گرفت و سبب سقوط و مرگ تکان‌دهنده زن کارگری شد که برای تأمین هزینه‌های فرزندانش چنان شیزین خود را از دست داد درنگ می‌کردند تا رژیم نتواند گردفراموشی برجنايت خود به‌پاشد. انتشار ویدئوی این فاجعه بازتاب وسیعی در سطح جامعه و حتی دروآء مرزهای کشور داشت*۲

موضوعات مهمی پیرامون رابطه آپارتایدجنسی و رابطه آن با سایر تبعیض‌های اجتماعی، درک یک سویه و تک بعدی و یا چندبعدی از مبارزه طبقاتی و نقش نیروی زنان در اقتصاد غیررسمی اعم از کارخانگی یا کارگاه‌های غیررسمی خانگی و امثال آن (علاوه بر تبعیض در حوزه‌های رسمی) و بخصوص در عرصه چرخه وسیع تر تولید و نقش زنان در بازتولیدنیازهای مادی و غیرمادی جامعه و تولید نسل و نظایر آن وجود دارند که با طرح و بحث پیرامون آنها از درک‌ها و رابطه‌های مکانیکی و غلط بین آنها و اولویت بندی‌های نادرست بین مبارزه طبقاتی و مبارزه علیه تبعیضات مبتنی بر جنس فاصله گرفت. دو نوشته زیر*۳ پیرامون نقد این نوع درک‌های یک جانبه و بسیط بین ستم طبقاتی و تبعیض جنسیتی است که در گذشته به نگارش درآمده است. نقد نگاه محدودگرایانه به چرخه بازتولید نیازهای مادی و نیروی کار، صرفاً به محل و مکان بی واسطه تولید و کار مرتبط به آن (اقتصاد رسمی) و نادیده گرفتن چرخه بازتولیدگسترده و همه عرصه‌های دخیل در آن، عرصه‌هایی که بدون آن چرخه‌های اخص تولید نیز از حرکت بازمی‌ایستند و نیروی کار مرتبط این عرصه وسیع تر، منشأ شمار زیادی از آشفتگی‌های صورت بندی‌های یک جانبه بین مبارزه طبقاتی و مبارزه زنان علیه تبعیض جنسیتی و نادیده گرفتن تداخل‌های وسیع دوايرمربوط به آن در ضمن استقلال نسبی آنان است.

۲۰۱۲-۰۳-۰۸ تقی‌روزبه

<http://taghi-roozbeh.blogspot.de>

*- بیانیه بیش از ۳۵۰ تن از مدافعان حقوق زنان

<http://www.we-change.org/spip.php?article10802>

*- ۲ <http://www.youtube.com/watch?v=abgqzjReFY>

*- به بهانه ۸ مارس:

<http://taghi-roozbeh.blogspot.de/2013/03/8.html>

نگاهی به چندچالش پیش‌روی جنبش زنان

<http://taghi-roozbeh.blogspot.de/2012/03/8.html#more>